



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۲/۲۸

عبدالقیوم میرزاده

## و اما مسئله خط دیورند

### قسمت دوم

عده ای از مردم افغانستان به این باورند که موافقتنامه دیورند برای مدت صد سال اعتبار داشته و در سال ۱۹۹۳ تاریخ آن منقضی گشته و از اعتبار ساقط است. اما رویداد های تاریخی بعد از امضای این موافقتنامه به وضاحت میرساند که به نظر دولتمداران انگلیسی هند برتانوی این موافقتنامه تنها تا زمان حیات امیر عبدالرحمن خان اعتبار داشته و با وفات امیر مذکور این موافقتنامه نیز از اعتبار ساقط گردیده است. به همین منظور بعد از جلوس امیر حبیب الله خان پسر امیر عبدالرحمن خان لاردرکوزن (Lord Curzon) از ایشان دعوت بعمل آورد تا از هندوستان بازدید کرده و در باره بسا مسایل مورد علاقه با مقامات هند برتانوی ملاقات و گفت و گو کنند که مسئله بازنگری موافقتنامه های سرحدی در متن مسایل مورد علاقه انگلیس ها شامل بود. امیر حبیب الله خان مایل سفر به هندوستان نبود و به جواب لاردرکوزن پیام فرستاد که نیازی به این سفر نمی بیند زیرا با همه تفاهماتی را که پدر مرحومش با انگلیس ها داشت احترام گذاشته و به آن پابند می باشد. ولی این پاسخ برای انگلیس ها قانع کننده نبوده و وایسرا به سفر امیر حبیب الله خان تأکید بیشتر کرده و به جانب افغانی خاطر نشان کرد که توافقات ایشان با شخص امیر عبدالرحمن خان بوده و تنها در طول حیات وی اعتبار داشت و اکنون امیر جدید باید این موافقتنامه ها را تجدید کند. و برای اینکه امیر حبیب الله خان را تحت فشار قرار داده تا این توافقات را مجدداً تأیید و امضاء کند ارسال مبلغ مقرر ۱.۸ میلیون روپیه هندی اجازه ترانزیت جنگ افزار به افغانستان از راه هندوستان که در موافقتنامه دیورند درج شده بود را قطع کرد. این هم به این منظور که توافق ارسال پول ترانزیت هم در موافقتنامه دیورند درج بود که با وفات امیر عبدالرحمن خان فسخ شده است.

عده ای هم ادعا دارند که موافقتنامه دیورند با زور و فشار بر امیر عبدالرحمن خان تحمیل گردیده است و این معاهده تحمیلی است. در حالیکه امیر عبدالرحمن خان پس از امضای موافقتنامه دیورند در حالیکه شخص هنری تیمور دیورند هم حضور داشت درباریانش را در یک مجلس بزرگ دعوت کرده ضمن سخنرانی مفصل در باره توافقات انجام یافته برای حل و فصل مسائل سرحدی با انگلیسها چنین بیان داشت: "سایر ملل امور خویش را منظم کردند الا افغانستان. چهارده سال است که من مصروف اصلاحات ام. هر ملتی در مقابل دشمنان خود دوستانی دارد. مگر افغانستان. امروز ما نیز دوست لایق و شریک در سود و زیان خود یافتیم و لازم دیدم که حدود بین طرفین معین و اختلافات جزئی رفع گردد. من با دولت انگلیس سخن گفتم و حدود شمالی مملکت شما را به واسطه او با دولت روس تعیین نمودم، همچنین حد بندی مغرب مملکت شما را با دولت ایران نمودم و اندک اشتراک سرحدی که با دولت ختای (چین) داشتیم، به نامه و پیام معین گردید. ... ولی پس ازین ترک کینه کردیم ... دولت انگلیس هیچگاه از فاصل سرحد به این سو تخطی نخواهد کرد. من هم وثیقه یی به او دادم که از جانب دولت در برابر مستقلة افغانستان تجاوز متصرفانه به عمل نخواهد آمد ... سر هنری دیورند نیز ضمن تأکید سخنان امیر گفت که این سخنان سرایا حقیقت است که ما در سود و زیان هم شریکیم. اکنون که مسأله سرحد فصل شد، امیدواریم که روز به روز دوستی و دلگرمی زیادتیر شود."

امیر حبیب الله خان با آنکه حاضر نشد تا به هندوستان سفر کند اما موافقت کرد تا وزیر دولت در امور خارجی برتانیه در هندوستان آقای لویی دین (W. Dane Louis) را در کابل به منظور گفت و گو به حضورش بپذیرد و در نتیجه گفت و گو های دو طرف بالاخره به تاریخ ۲۱ مارچ سال ۱۹۰۵ موافقتنامه جدید را غرض تأیید تمام تعهدات قبلی ذکر شده در موافقتنامه دیورند را به شمول مبلغ ۱.۸ میلیون روپیه هندی حق ترانزیت و ارسال فرضه

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

های قبلی تأیید گردید. امیر حبیب الله خان در این موافقتنامه که به نام موافقتنامه (دین - حبیب الله) مشهور است چنین تعهد سپرده است:

"من اعلیحضرت امیر حبیب الله بدین وسیله توافق مینمایم که در امور مهم اساسی و فرعی مندرج موافقتنامه خط دیورند در رابطه با امور داخلی و خارجی و سایر تفاهماتی که اعلیحضرت پدر مرحوم من با حکومت اعلی برتانیه منعقد نموده و مطابق به آن عمل کرد، من هم مطابق به آن موافقتنامه عمل نموده ام، عمل می نمایم و عمل خواهم کرد، و من در هیچ معامله یا پیمانی آنها را نقض نمی نمایم." یعنی اینکه این موافقتنامه تا زمان در گذشت امیر حبیب الله خان سال ۱۹۱۹ یعنی تا جنگ سوم افغان و انگلیس اعتبار داشت که بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس یک هیئت عالی رتبه افغانستان تحت ریاست علی احمد خان به راولپندی رفته و به تاریخ ۸ اگست سال ۱۹۱۹ میلادی معاهده صلح را با نمایندگان دولت برتانیه به امضاء رسانیدند، که بر اساس این معاهده دولت برتانیه استقلال افغانستان را برسمیت شناخت ولی انگلیسها در این معاهده افغانستان را متجاوز خواند و همچنان تمام موافقتنامه های طرف انگلیس را با امرای قبلی افغانستان به شمول پرداخت سالانه ۱.۸ میلیون روپیه هندی حق ترانزیت را فسخ اعلام کرد و در باره مشروعیت خط دیورند در ماده پنجم این معاهده چنین توافق کردند:

"دولت افغانستان سرحد هند و افغانستان را همان طوری که توسط امیر مرحوم (حبیب الله خان) پذیرفته شده بود می پذیرد." به این ترتیب تعیین حدود سرحدات افغانستان با هند تذکر یافته در معاهده دیورند از قید زمان حکمروایی امرا و سلاطین افغانستان خارج و مشروعیت آن به وسیله حکومت دو کشور افغانستان و برتانیه به طور دائمی تسجیل و تأیید گردید.

همچنان جانب انگلیسی طی این معاهده متعهد شدند که اگر دولت افغانستان با رفتار نیک خویش در برابر دولت برتانیه در جریان شش ماه دوره امتحانی حسن نیت نشان دهد، دولت برتانیه برای برقراری مناسبات سیاسی دوستانه هیئت مجددی را به افغانستان اعزام میدارند و همان بود که در جنوری ۱۹۲۱ هنری دابس (Henry R.C. Dobbs) نماینده فوق العاده برتانیه به کابل آمد و معاهده جدیدی برای برپایی مناسبات سیاسی - تجارتي میان دولتین افغانستان و انگلستان با امضای دابس نماینده دولت انگلیس و محمود طرزی نماینده دولت افغانستان به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ در کابل به امضاء رسید. گرچه این معاهده، معاهده صلح راولپندی مؤرخ ۸ اگست ۱۹۱۹ را منسوخ اعلام کرد اما در باره سرحدات افغانستان معین شده در معاهده دیورند در ماده دوم این معاهده جدید چنین قید کردند:

"نو طرف مرز هند و افغان را همان طوری که از سوی دولت افغانستان در ماده پنجم معاهده ۸ اگست ۱۹۱۹ منعقد راولپندی پذیرفته شده بود، متقابلاً می پذیرد"

قابل یاد آوری است که در ماده چهاردهم معاهده سیاسی - تجارتي ۲۲ نوامبر ۱۹۲۱ منعقد کابل همچنان به حکومت هردو کشور صلاحیت داد تا در صورت اعتراض به مفاد این معاهده طرفین میتوانند در ظرف سه سال طی یادداشت رسمی آن را فسخ کنند. برای آگاهی بیشتر خوانندگان این سطور متن ماده چهاردهم را می آوریم:

"مواد این معاهده از تاریخ امضای آن نافذ گردیده، و از همان تاریخ تا سه سال دوام می نماید. هرگاه هیچ یک از دو طرف، دوازده ماه پیش از پایان سه سال متذکره، طرف دیگر را از تصمیم خود مبنی بر فسخ آن آگاه نسازد، معاهده مرعی الاجرا می باشد الی اختتام یک سال پس از همان تاریخی که یکی از دو طرف آنرا فسخ نموده باشد."

شاه و طندوست، ترقی پسند و محصل استقلال افغانستان امان الله خان در زمان زمامداری اش هیچگاهی این معاهده را فسخ نکرد زیرا او و مشاوران و طندوستش بخوبی می دانستند که دشمنی با امپراتوری انگلیس عواقب ناگواری را برای کشور و مردم ما به بار می آورد و از طرف دیگر اداره مناطقی که در طول صدهای فراوان هست و بود کشور ما را بلعیده و هیچ سودی از آن نبرده ایم چه دردی ما را دوا خواهد کرد. در زمان دولت محمد نادر شاه طی یک یادداشت دیپلماتیک میان شاه ولی خان وزیر مختار حکومت افغانستان و آرتور هندرسن (Arthur Henderson) وزیر خارجه برتانیه به تاریخ ۶ جولای ۱۹۳۰ که در ماده دوم آن چنین آمده بود: "در پاسخ به یادداشت شما من نیز افتخار دارم تا رسماً ضبط نمایم که درک ما نیز همین است که این دو معاهده ۱۹۲۱ و معاهده جون ۱۹۲۳ دارای اعتبار تام بوده و کاملاً مرعی الاجرا اند."

بعد از تجزیه کشور هند و ایجاد کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷ حکومت افغانستان از هند برتانوی خواست تا برای ایجنسی ها یک سال مهلت داده شود تا در باره سرنوشت شان در پیوستن و نپیوستن شان به پاکستان تصمیم اتخاذ کنند، ولی حزب مسلم لیک طراح ایجاد پاکستان و انگلیس ها این خواست حکومت افغانستان را نپذیرفته و بسوی انتخابات و همه پرسی میان مردمان ایجنسی ها رفتند، که با وصف کار توضیحی و تشویقی حکومت افغانستان و تحریم قطعی بزرگترین و موثرترین سازمان سیاسی پشتون ها یعنی جمعیت خدایی خدمتگار تحت رهبری خان عبدالغفار خان و جمعیت رضاکاران زلمی پشتون پنجاه و پنج درصد باشندگان ایجنسی ها به پیوستن به پاکستان رأی دادند.

مراد از بیان این سیر تاریخ، جدال ها، جنگ و گریز ها، تمهیدات، تعهدات و توافقات در قبال معضل سرحدات شرقی و جنوبی ما با پاکستان این است تا ذهن خوانندگان این سطور را در زمینه روشن ساخته تا بتوانند به دسایس و جنگ

افروزی های بعدی در این باره را که کشور ما را تا پرتگاه امحا و نابودی کامل کشانیده و صد ها سال از کاروان مدنیت و پیشرفت بازمانده بصورت منطقی دآوری کرده و منافع علیای ملی را تشخیص داده بتوانند.

از این زخم خون چکان و پیش زمینه های آن صد ها سال سپری شده که در سیر این حوادث صدها هزار انسان بیگناه ما کشته و قسمت اعظم هستی مادی و معنوی ما نابود گردیده است و دشمنی کشور همسایه ای را به جان خریدیم که از تأسیس اش هنوز چند دهه انگشت شمار نمیگذرد ولی با درایت و مدیریت موثری که داشته است توانسته جهان را به این افق برساند تا از موقش در قبال ادعای افغانستان مبنی بر تردید بر خط دیورند در تمام محافل بین المللی و نشست های سازمان ملل متحد حمایت بیدریغ کرده و افغانستان پیوسته به انزوا کشیده شود. در سپتمبر سال ۱۹۴۷ عبدالحسین خان عزیز نماینده فوق العاده افغانستان در سازمان ملل متحد بر علیه عضویت پاکستان در سازمان ملل متحد رأی داد ولی چون جو بین المللی خلاف ادعای افغانستان سیر داشت بناءً در اکتوبر همان سال نامبرده رأی منتفی خود را پس گرفت و به این ترتیب افغانستان با کشور نو تأسیس پاکستان به سطح سفارت روابط دیپلماتیک تأمین کرد. همچنان ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۴۷ در دوران جنگ سرد به منظور جلوگیری از نفوذ شوروی یا کمونیزم پیشنهاد تأسیس پیمان های بغداد، سیتو و سنتو را در ساحات حوزه نفوذش یعنی شرق میانه، خلیج فارس و بحر هند ارائه داد که در سال ۱۹۵۵ حین عضویت اش در سازمان سنتو Central Treaty Organization با وصف آنکه پارلمان افغانستان در سال ۱۹۴۹ بطور یکجانبه معاهده دیورند را ملغی اعلام کرده بود، خط دیورند را مرز بین المللی افغانستان با پاکستان اعلام کرد. همچنان با وصف پیشنهادات موکد و مکرر نماینده گان دولت افغانستان در کنفرانس های کشور های اسلامی منعقد شده شهر لاهور پاکستان ۱۹۴۷ و کنفرانس کشورهای غیر متعهد یا عدم انسلاک منعقد الجزایر ۱۹۷۳ برای شامل ساختن "حق خود ارادیت خلق های پشتون و بلوچ" در اجندای این جلسات هیچگونه موفقیت را در موجودیت رهبران پر آوازه آنزمان چون جواهر لعل نهرو، جمال عبدالناصر، مارشال جوزف بروزیتو و احمد سوکارنوبدست نیاورد و تا کنون هیچ کشوری از موقف افغانستان در این زمینه حمایت نکرده است.

محمد داود خان هم در زمان صدارت اش ۱۹۵۳ - ۱۹۶۳ و هم در زمان ریاست جمهوری اش بحیث اولین رئیس جمهور جمهوری افغانستان ۱۹۷۳ - ۱۹۷۸ در تحت افکار ناسیونالیستی بسیار مصمم بود تا حمایت هند و اتحاد شوروی را بدست آورده سازوبرگ نظامی و دفاعی کشورش را تحکیم بخشیده و پاکستان را تحت فشار مضاعف قرار دهد به این منظور اومسئله را به لویه جرگه مطرح کرده و اجازه خریداری سلاح و مهمات نظامی را از هر کشوری که باشد بدست آورد چون ایالات متحده امریکا و غرب حاضر نبودند برای دشمن پاکستان اسلحه بفروشد بناءً او به اتحاد شوروی غرض خریداری تسلیحات نظامی و تحکیم سیستم دفاعی کشور مراجعه کرد و این مراجعه فرصت طلایی را برای تحقق استراتژی های روسها در منطقه فراهم کرد و در شرایط انزمامی جو جهانی که اتحاد شوروی داعیه دار جنبشهای ضد استعماری رهایی بخش ملی بود، شعار رهایی خلقهای پشتون و بلوچ از تأثیرات استعمار بهترین گزینه برایشان محسوب میگردید و به همین ترتیب در ورای تحکیمات نظامی و دفاعی محمد داود خان روسها با اعزام متخصصین نظامی و تربیت کادر عسکری راه های نفوذش را در همه عرصه ها اعم از ملکی و نظامی باز و تأثیر گزار در سیاست های داخلی و خارجی افغانستان گردید که کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ (۱۶ جولای ۱۹۷۳) و هم در کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ (۲۷ اپریل ۱۹۷۸) صریحاً این نقش را به بیان میگیرد، که در آخرین تحلیل محمد داود خان این زمامدار وطن دوست و ترقی پسند به این حقیقت پی برد که شوروی ها برای رسیدن به اهداف شان در قبال حریف جهانی اش این سیاست ها و اقدامات تحریک آمیز را بر علیه پاکستان مدیریت میکنند در حالیکه آنها میتوانستند بحیث فاتح بی مثال جنگ جهانی دوم در زمان تأسیس کشور پاکستان با استفاده از نفوذ و اعتبار بین المللی اش مسئله خط دیورند و مسئله پشتونستان و بلوچستان را به آسانی وبی درد سر حل و فصل کنند، که نکردند زیرا برای سیاست های بعدی شان به آن نیازمند بودند. همان بود که با میانجگری عربستان سعودی و ایران راه تفاهم و مذاکره را با پاکستان اتخاذ کرد و طی دید وادید ها با ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان توانستند اساس روابط حسن همجواری با یکدیگر را بنیاد گذارند، آنها به این نتیجه رسیدند که مبارزات و فعالیت های سیاسی پشتون ها و بلوچ های پاکستان یک مسئله داخلی پاکستان بوده و رهبران این جنبشها هرگز خواهان تجزیه پاکستان نبوده بلکه در رعایت قانون اساسی پاکستان خواهان امتیازات بیشتر سیاسی در ساختار پاکستان میباشند. آنچه را که امروز رهبران پشتون ها به صراحت لجه اعتراف میکنند. به قول دکتور شیرزوی که در زمان سفر محمد داود خان به پاکستان سفیر افغانستان در اسلام آباد بود در مراسم یادبود از خاک سپاری مجدد محمد داود خان در سال ۲۰۰۹ در لندن بیان داشت، " در آنزمان ذوالفقار علی بوتو که داود خان را پدر خطاب کرد در اخیر سفر ضمن بیانیه در حضور تمام وزرای کابینه اش اظهار داشت که " پدرم (داود خان) هر فیصله یی که برای رفع اختلافات میان دو کشور بکنند من آن را قبول میکنیم و متیقنم که او هرگز راضی نخواهد گردید که پسرش را در برابر ملتش کم ببورد." که اگر سیاست گزاران بعدی این مامول را انکشاف و توسعه میدادند احتمالاً ما اکنون موقعیت کاملاً متفاوتی در منطقه و جهان میداشتیم ولی متأسفانه با اشغال افغانستان بوسیله اتحاد شوروی و طرح شعار های جهاد و مقاومت در برابر تجاوز روسها برای پاکستان فرصت های طلایی را فراهم ساخت تا با استفاده از کمکهای بین المللی خاصاً ایالات

متحدہ امریکا، کشور های عربی و کشور های اروپای غربی استراتژی بسیار درازمدتی را برای حصول موقعیت عمق ستراتیژیک در افغانستان و ساحه مطمئن برای تمرینات نظامی و آماده سازی جہادیون کشمیر طرح و عملی کند کہ پروژہ های آوردن مجاہدین افغان در صحنہ سیاسی افغانستان و طالبان و مدیریت بحران افغانستان و دست بالایش در مسایل افغانی حکایت گردسترسی پاکستان به این استراتژی میباشد. گرچه بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۱۱ و اشغال افغانستان از جانب ایالات متحدہ امریکا تا حدودی جابجایی مدیریت بحران را به نفع استراتژی های ایالات متحدہ امریکا تغییر داده است ولی سیاست گزاران و دولت مداران افغان نتوانستند از این فرصت ها برای نیل به منافع ملی کشور بهره جسته و یکبار برای همیشه این زخم خونین را جراحی قطعی میکردند و هزاران حیف کہ سیاست گزاران و دولت مداران ما در تحت فشار و سایہ شوم سیاست های طرح شده در خارج از مرز های افغانستان با کتمان حقایق و نپزیرفتن خط دیورند بحیث مرز بین المللی و شناخته شده افغانستان - پاکستان و جلوگیری از یک گفتمان ملی در این زمینہ مسئلہ را به یک تابو تبدیل کرده و مسلہ خط دیورند را به چنان یک ارزش بزرگ ملی تبدیل کرده اند کہ میلیون ها انسان این سرزمین را و تمام دارایی و هستی این کشور را قربان کرده ولی در بارہ آن حتی یک جملہ ہم بزبان نمی آورند. تا کنون بخاطر این تابوی شوم چندین بار تمامیت ارضی کشور ما در معرض تهدید مستقیم قرار گرفته و حتی سرحدات جدید خط کشی شده و پول جداگانه انتشار یافته است و منطقه را چنان بحرانی فراگرفته است کہ حتی در مدیریت آن قدرت های بزرگ ہم اکنون ضعف نشان میدهند. صدور تروریزم از پاکستان و حاشیہ های سرحدی افغانستان و پاکستان و مناطقی کہ افغانستان حاضر نیست آنرا سرحد رسمی بشناسد امروز به معضلہ بزرگ بین المللی تبدیل شده کہ افغانستان یکجا با پاکستان و قدرت های بزرگ جهان در این معضل سهم مساوی دارند، این مسئولیت بزرگ تاریخی است.

با ارائه معلومات کہ در بالا ذکر کردم ادعا هایی مبنی بر تحت فشار قرار داشتن امیر عبدالرحمن خان از جانب امپراطوری برتانیہ در زمان عقد این معاهده کاملاً منتفی گردیده زیرا همانطوریکہ برای روسها سواحل شمال دریای آمو مناطق مطمئنی برای دفاع استراتژیک تشخیص گردیده بود برای انگلیسها ہم گذرگاه های خیبر بروخیل، چترال، کرم، گومل و بولان ستراتیژیک ترین نقاط دفاعی تشخیص داده شده بود، همچنان امیر عبدالرحمن خان ہم خواستار همان ساحه نفوذ بود کہ بتواند حاکمیتش را تأمین کند. او در میان پادشاهان افغانستان یکی از محدود رهبران افغانستان بود کہ حاکمیتش در سراسر قلمروش تأمین بود.

همچنان ادعا میگردد کہ خط استعماری بوده و قبایل پشتون را دو پارچه کرده است، در حالیکہ این حقیقت ندارد، از یکطرف این خط بیشتر به عامل جیو پولیتیک متکی است تا عامل قومی و اتنیک و از طرف دیگر اگر این خط در هر کجایی غیر از ساحات مندرج در عهدنامه دیورند ہم میگذشت حتماً واحد های قومی و نژادی را از ہم جدا میساخت. نگاه اجمال و مطالعه خطوط سرحدی کشور های جهان این را بوضاحت میرساند کہ کمتر کشوری را در جهان میتوان سراغ کرد تا مردمان و باشندگان سرحدی علایق مشترک نژادی، قومی و فرهنگی با ہم نداشته باشند کہ بوسیله خطوط سرحدی از ہم جدا شده اند. عده ممکن از روی بی اطلاعی در این زمینہ وعده ہم احتمالاً بنا بر دستور مغرضین اجنبی و عده ہم از علاقه مفرط خواب یک افغانستان بزرگ کہ سرحدات شرقی و جنوبی اش ایش و بندر گوادر باشد را میبینند، اینکہ خط دیورند را ما قبول نداریم چنین افادہ را مستقیم و غیر مستقیم میرساند کہ کشور پاکستان تجزیه شده تمام ایالت هایش به جز پنجاب به افغانستان تعلق بگیرد، اگر با عقل سلیم بیاندیشید آیا چنین چیزی عملی و ممکن است؟ چطور امکان دارد ما به حیث یک کشور منزوی، ضعیف و بی دفاع کہ قدرت دولتی را در پایتخت کشور خویش تمثیل کرده نمیتوانیم سه ایالت و یک اداره فدرال قبایلی یک کشوری را کہ از قدرت بزرگ تهاجمی و دفاعی برخوردار بوده و به رغبت جامعه بین المللی صاحب سلاح اتمی میباشد غصب کنیم؟ چرا ما و رهبران و سیاسیون ما نمیتواند همه مردم را به این امر ملتفت سازند کہ عنوان کردن خط دیورند پیوستہ برای ما و کشور ما حیث انتحار و خود کشی را داشته است؟ (ادامہ دارد)